



روانی با شهوت رانی همدان



مختلاف و زنی این کارش را خنثی کند.

محبوبه ابراهیمی

اشاره

در سال‌های اخیر، روند گرایش به خرافات و عرفان‌های کاذب شدت گرفته و روزی نیست که چند نظر کرده جعلی، دعانویس متجاوز، مراد کلاه‌بردار، روح احضارکن کالاش، و نایب خودخوانده، سر برنیاورند. نوشتار ذیل به بررسی شخصیت این افراد دروغگو و مریدانشان می‌پردازد.

مجله علمی-تخصصی روانشناسی و مشاوره

**غلام - که ملقب به غلام
رمال که با نوشتن جملات
نامفهوم، مبالغی کلان از
مردم دریافت می‌کرد، در
اعترافات خود، بیان نمود که
در آمد ماهانه‌اش از این راه،
بین یک تا دو میلیون تومان
متغیر بوده است.**

**مرد ۲۵ ساله افغانی پس از
دستگیری در خانه‌اش در شهر
قائم قم اعتراف کرد که اکثر
زن‌ها برای قفل کردن زبان
خانواده شوهر و مواردی مانند
آن به وی مراجعه می‌کردند.**

سگ، گله گوسفندان را رها کرده و پارس کنان خود را به گودالی رساند و با بردن پوزه در داخل گودال، شروع به زوزه کشیدن کرد. چوپان جوان که تصور می‌کرد گوسفندی در گودال افتاده است، خود را به سگ رساند، اما با پیکر نیمه‌جان دختری جوان روبرو شد. به کمک چند رهگذر او را از گودال بیرون کشانده، به نزدیک‌ترین بیمارستان رساندند. پزشکان در اولین معاینه، متوجه مسمومیت شدید دختر شدند و با معالجات تخصصی و انجام عمل جراحی، او را از چند قدمی مرگ نجات دادند. به این ترتیب با بهبود حال دختر و اعتراف‌هایش، پرده از اقدام جنایتکارانه مردی رمال برداشته شد....

دختر جوان، پس از بهبودی، به بازگویی ماجرا پرداخت: «دانشجوی سال سوم رشته تاریخ هستم. در جریان تحقیقات دانشگاهی و تکمیل پایان‌نامه‌ام با موضوع «تاریخچه قبر آقا» به سفارش استاد دانشگاه، به امامزاده‌ای در جنوب تهران رفتم. مردی رمال که پی برده بود قصد تحقیق درباره امامزاده را دارم، به سراغم آمد و با ادعای آشنایی کامل با تاریخچه قبر آقا، مرا به خانه‌اش برد. من با دیدن همسرش، با خیال راحت وارد خانه شدم؛ اما مرد رمال، به جای دادن اطلاعات،



مرا در اتاقی زندانی کرد تا به خواسته‌های شومش برسند. وقتی به خواسته‌هایش رضایت نمی‌دادم، مرا به شدت کتک می‌زد و شکنجه می‌داد. هر روز به همین روال ادامه داشت تا این که پس از سه ماه، یک روز در مقابل همسرش داروی مرگ موش را به من خوراند و بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم خودم را روی تخت بیمارستان دیدم.» رمال شیطان‌صفت، این دختر جوان را پس از سه ماه حبس در

خانه‌اش، به داخل گودالی انداخت و دختر بیهوش سه روز در گودال، رها بود. مأموران پلیس، هنگامی توانستند رمال ۴۰ ساله به نام میکائیل را دستگیر کنند که طعمه دیگری را به خانه‌اش کشانده بود. این رمال جنایتکار که زنان پناه آورده به امامزاده را به عنوان عمه به خانه می‌برد و با حضور همسر (!) مورد آزار و اذیت قرار می‌داد، عاقبت با حکم قاضی به مرگ محکوم شد.^۱

این دختر دانشجو، نمونه‌ای از هزاران انسان ساده‌دلی است که خواسته‌ها یا ناخواسته در دام شیادان رمال و دغانویس گرفتار می‌شوند. گوشه و کنار صفحات حوادث مطبوعات و سایت‌های خبری، پر از این گونه رخدادهای است. کم نیستند انسان‌های نظر کرده‌ای (!) که برای رسیدن به اهداف شوم خود، هر شب رؤیایی تازه در سر می‌پروراند و صبح که برمی‌خیزند، ادعای کرامت و عنایت غیبی الهی کرده و در پوشش دغانویس، فالگیر، آیینه‌بین، رمال، جادوگر، کف‌بین، مراد و... هزاران انسان ساده را به کام بدبختی می‌کشانند؛ حال آن‌که صاحبان عنایت باید ابتدا به درمان خویش بپردازند. و نیز بسیاری از انسان‌های غافل که در رویارویی با ناملایمات، شانه خالی می‌کنند و به جای توسل به عوامل طبیعی مشکل‌گشا به ماورائیان دروغین و مشکل‌ساز، پناه می‌برند.

باید دید چه انگیزه و هدف‌هایی سبب می‌شود که هر دو گروه مراد و مرید، در این مسیر انحرافی قرار گیرند:

انگیزه‌های مدعیان دروغین

شیطان با سوء استفاده از غفلت انسان، او را به ادعاهای دروغ و امی دارد تا بیش تر مورد توجه مردم قرار گیرد. این واقعیت در مردان که به عقیده روان‌شناسان، نقطه ضعفشان در پول و ریاست و شهوت جلوه‌گر می‌شود، بیش تر قابل مشاهده است. این نقاط ضعف و دیگر انگیزه‌هایی که در ادامه بررسی می‌شوند، محورهای اصلی شخصیت عارف‌نمایان و مدعیان دروغین را تشکیل می‌دهند.

۱. شکست‌های زندگی

مدعیان دروغین، گاه در رویارویی با کوچک‌ترین مشکلات زندگی، خود را می‌بازند و با روی آوردن به ادعاهای نادرست خود و جمع کردن مردم در اطراف خویش، به دروغ می‌خواهند به حل مشکلات آن‌ها بپردازند! مسائلی مانند طلاق، داشتن نامادری، یتیمی زودرس، تربیت نامناسب، اختلاف‌های خانوادگی و... برخی از موجبات شکل‌گیری این نوع گرایش‌ها محسوب می‌شوند که نظایر آن در جامعه قابل مشاهده و استفاده است؛

تیر ۱۳۸۵

**زنان جوان و سالخورده،
در ازای پرداخت مبلغی
عروسک سبزپوش به
نام «سید کوچولو» را
برای رفع حاجات اجاره
می‌کردند تا حاجاتشان
را برآورده کند.**



زنی ۲۳ ساله که به بهانه فالگیری و با اغفال زنان و دختران جوان، از آن‌ها کلاهبرداری میلیونی کرده بود دستگیر شد. این زن که سودابه نام دارد، در اعتراف‌های خود اعلام کرد که یک سال قبل از همسرش جدا شده است و به همین دلیل به فالگیری و رمالی روی آورده تا بتواند زندگی خود را تأمین کند.^۲

مهر ۱۳۸۶

دعانویس کلاهبردار ۷۰ ساله به نام کرم پس از دستگیری در اصفهان، دلیل گرایش خود به دعانویسی را ورشکستگی اعلام کرد. وی در اعتراف‌هایش خود بیان داشت که پس از ۴۰ سال خیاطی، ورشکست شده و به همین سبب با خرید چند کتاب، به دعانویسی مشغول شده است. وی به بهانه دعانویسی ده‌ها نفر را سر کیسه و مبالغی از آن‌ها اخاذی کرده است.^۳

۲. ضدیت با دین

ضدیت با دین، گاه جنبه انفرادی دارد و گاهی به صورت گروهی و با طرح‌های منسجم و از پیش تعیین شده، در جامعه پیگیری می‌شود. برخی از مدعیان دروغین، فقط برای جلب توجه مردم به سوء استفاده از احساسات دینی آن‌ها می‌پردازند و به همین دلیل در شهرهایی مانند قم، مشهد، کرمان و... که وجهه مذهبی دارند، بیش‌تر دیده می‌شوند. این عده نادانسته به دین آسیب می‌رسانند. اما در پاره‌ای موارد، مسأله از این حد فراتر بوده و افراد، گماشتگان دشمنان قسم خورده اسلام هستند که با ترفندهای ثابت و با هدف ضربه‌زدن به مقدسات و اصول و فروع دین، به ترویج این مسائل می‌پردازند. باید توجه داشت که در هر دو صورت، بدعت‌گذاری در دین و خدشه وارد شدن به پیکره اسلام اصیل، پیامدی حتمی است که باید از آن پیشگیری کرد؛

آبان ۱۳۸۶

فردی شیاد با ادعای جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و با تهیه کتابچه‌ای شامل آیات تحریف شده قرآن، با جذب افراد ناآگاه و بویژه بی‌سواد، به ترویج آموزه‌های وهابیت در میان مردم پرداخته است. وی در بخشی از کتاب ساختگی خود، توسل شیعیان به ائمه را رد کرده و روش‌های جدیدی برای وضو گرفتن، اقامه نماز و روزه‌داری ارائه نموده است. در کتابچه خودنوشته این مدعی دروغین، قرآن شصت و هشتمین کتاب آسمانی معرفی شده و شصت و نهمین کتاب آسمانی به نام فرقان، کتاب وی می‌باشد که پیامبر عصر فضا و ماهواره است!^۴

مهر ۱۳۸۶

شخصی به نام ج - ه ملقب به الف، به راه‌اندازی مؤسسه‌ای به نام تجسم خلاق با برگزاری کلاس‌های مختلف و با ادعای نگاه اسطوره‌ای به بوسه‌زدن اقدام نموده است. در حاشیه کلاس‌های مؤسسه، اردوهای مختلط برگزار و کتاب‌هایی با نام‌های پاران (انرژی حیات)، کریستال درمانی، مدیتیشن دو قطب حرکات انرژی‌زا، بدن جادویی و... با مبالغی کلان به شرکت کنندگان ارائه می‌شود.

جالب این‌که رقص و حرکات موزون، اولویت ویژه‌ای در این کلاس‌ها دارد و به مسائلی نظیر بوسه‌زدن پرداخته می‌شود و در عین حال، برپا کننده مؤسسه ادعا می‌کند که کلاس‌هایش، موجب تقویت معنویت می‌شود!^۵

آذر ۱۳۸۵

دادستان قم از دستگیری شیادی به نام ع - د که مدعی امام چهاردهمی است، خبر داد. این فرد ضمن مبارزه علنی با مسلمات دینی، جمکران را قبله معرفی کرده

و با چاپ کتابی ۱۰۰ صفحه‌ای در صدد فریب افکار عمومی برآمده است. وی با ۵۵ نفر از مریدانش دستگیر شده است.^۶

شهریور ۱۳۸۶

محمد حسین زاده ابوجسی معروف به درویش در قم اعدام شد. وی بی‌سواد بوده و بدون داشتن کم‌ترین اطلاعات دینی، با رهبری گروه‌های مختلف به ایجاد انحراف در دین و تغییر در اجرای دستورات الهی همت گمارده بود. همچنین به بهانه رمالی و دعانویسی، ادعای امام زمانی داشته و ضمن اشاعه فساد و فحشا، به طور علنی به حرم‌های پیشوایان معصوم، بی‌احترامی می‌کرد.^۷

شہوت‌طلبی و اغفال زنان و دختران

جوان

انسان‌های شهوتران، همواره از هر راهی برای رسیدن به اهداف شوم خود بهره می‌برند. تردیدی نیست که شهوترانی و لذت‌های صرف بدنی، به تنزل روحی و فساد کامل جسم اینگونه افراد می‌انجامد. این‌جاست که بسیاری از دختران جوان و نوجوان و حتی زنان میانسال، با پسای خود به سمت دامی می‌روند که رمالان شهوتران گسترده‌اند؛ آن هم بدون هیچ‌گونه شناخت و با اعتماد

وی با هیبنوتیزم کردن زنان، آنان را مورد تعرض قرار می‌داد و بعد از بیدار شدن، آن‌ها را به طلسم زندگی شان تهدید می‌کرد.^۹

شهریور ۱۳۸۶

با دستگیری زن و شوهری در اصفهان، مشخص شد که این دو به نام‌های مهین - الف (۴۹ ساله) و همسرش اصغر - د به بهانه دعانویسی و فالگیری، به اغفال زنان و دختران جوان می‌پرداختند.^{۱۰}

شهریور ۱۳۸۵

کفاش شیاد افغانی در شیراز که به بهانه دعانویسی، زنان و دختران جوان را مورد تعرض قرار می‌داد، دستگیر شد. ک.ق. ۶۰ ساله که به عنوان سید دعانویس به روستاهای اطراف شیراز می‌رفت، با نوشتن ادعیه و خلوت کردن با دختران و زنان مشکل دار، ضمن گرفتن وجه نقد، با آنان رابطه غیر اخلاقی برقرار و در این میان به چند دختر نوجوان نیز تعرض کرده است. تعدادی از این دختران، باردار شده و به دلیل ترس از خانواده‌هایشان به سقط جنین روی آورده‌اند.^{۱۱}

۴. سودجویی و کسب درآمد

پول از مهم‌ترین مسائل زندگی انسان‌هاست که عده‌ای برای رسیدن به آن به هر شیوه‌ای متوسل می‌شوند. در اوضاع نابسامان اقتصادی جامعه امروز، شنیدن از درآمد میلیونی رمال‌ها، هر انسان پول‌پرستی را وسوسه می‌کند تا با خریدن چند کتاب مجهول‌المؤلف و قدیمی و باز کردن سر کتاب، درآمدهای کلانی داشته باشد. در این میان، اعتماد بی‌دلیل مردم به این عده و پرداخت مبالغ هنگفت برای شنیدن جملات دروغ و یا حرف‌های راست که خودشان به رمال‌ها تحویل داده‌اند، مشوق عمومی برای گرایش به این خرافات است؛

شهریور ۱۳۸۶

مرد ۲۵ ساله افغانی پس از دستگیری در خانه‌اش در شهر قائم قم، اعتراف کرد: کارگر ساختمانی بودم و در جریان آشنایی با چند رمال، متوجه درآمد قابل توجه این کار شدم. به همین سبب بدون هیچ سواد، چند کتاب قدیمی و مهره مار خریدم و کارم را شروع کردم. طی ۶ سال، مشتریانی از شهرهای مختلف پیدا کردم، تا آن‌جا که درآمد ماهانه‌ام بیش از یک میلیون تومان شد.^{۱۲}

خرداد ۱۳۸۳

در دستگیری مرد رمال میانسالی، مشخص شد که وی طی ۷۵ روز دعانویسی، بیش از شش میلیون تومان درآمد داشته است.^{۱۳}

آذر ۱۳۸۵

غلام - ک ملقب به غلام رمال که با نوشتن جملات نامفهوم، مبالغی کلان از مردم دریافت می‌کرد، در اعترافات خود، بیان نمود که درآمد ماهانه‌اش از این راه، بین یک تا دو میلیون متغیر بوده است.^{۱۴}

۵. قدرت‌طلبی و جمع‌کردن مرید

کسب قدرت، یکی از مسائلی است که بسیاری عاشق رسیدن به آن هستند. این موضوع از ویژگی‌های مهم مردان به شمار می‌آید؛ اما در زنان نیز کم‌وبیش قابل مشاهده است. ادعای نیابت ائمه و یا حتی ادعای امام زمان بودن، در بسیاری از موارد، با انگیزه سوء استفاده از احساسات دینی مردم و جلب توجه ایشان صورت می‌گیرد. متأسفانه برداشت ظاهری از دین و نام ائمه و ساده‌لوحی افراد موجب می‌شود که عده‌ای به ندای هر فرد مدعی لبیک گویند و با گرد آمدن در اطراف وی، موجبات قدرت‌شان را فراهم سازند؛

اردیبهشت ۱۳۸۶

سه زن رمال که ادعا می‌کردند از سوی امام رضا علیه السلام مأمور دعا و شفا برای بیماران استان کرمانشاه هستند، در صحنه دستگیر شدند. این سه زن با نام‌های ف - دلبرباز و ط - صنعتگر و ز - عاطف با این طرح و با هدف جمع کردن مرید و اخاذی از



بسیاری از دعانویسان ادعا می‌کنند آن‌چه را می‌گویند و می‌نویسند، در خواب به ایشان الهام شده و کرامت الهی است؛ اما چه بسا این خواب‌ها به سان خواب شتر باشد که در آن پنبه‌دانه می‌خورد؛ زیرا شتر به پنبه‌دانه علاقه دارد اما چون نمی‌تواند بخورد، باید در خواب ببیند

چشم‌بسته به مردان اجنبی و حتی افغانی! خرداد ۱۳۸۳

مرد دعانویسی که به کمک سه زن و یک مرد، به اغفال زنان و دختران جوان می‌پرداخت، دستگیر شد. در دفترچه این مرد رمال، مشخصات سه هزار زن و دختر جوان ثبت شده است که برای حل مشکلاتشان به او مراجعه می‌کردند.

وی هنگام مراجعه مشتریان، با استفاده از داروهای بیهوشی، به دختران و زنان تجاوز می‌کرده است.^{۱۵}

شهریور ۱۳۸۶

محمد حسین زاده ابوصبی، معروف به جادوگر سیاه، به جرم آزار و اذیت بیش از ۶۰ زن و دختر جوان به دار مجازات آویخته شد. حسین زاده ۴۹ ساله با تهیه فیلم از روابط غیر اخلاقی خود، زنان را به ادامه روابط می‌داشت و گاهی اعضای خانواده را نیز به دام می‌انداخت. تجاوز به دختری ۱۶ ساله، دختری ۲۰ ساله و نیز یک دختر جوان و دو عمه‌اش در پرونده سنگین این رمال پلید ثبت است.

مردم، به این استان مهاجرت کرده بودند.^{۱۵}

۶. توزیع مواد مخدر و قرص‌های روانگردان

آثار قرص‌های روان‌گردان که امروزه در جامعه رواج یافته و مواد مخدر که دارای سابقه‌ای طولانی است، انکارناپذیر است. به تازگی، عوامل توزیع این مواد، با ادعای دغانویسی، طعمه‌های خود را می‌یابند و حشیش و هرویین و... را به عنوان جادوی مهر و محبت به خورد انسان‌های غافل می‌دهند؛

خرداد ۱۳۸۵

رمال افغانی که به جای دعای مهر و محبت، حشیش به مشتریان ارائه می‌کرد، دستگیر شد. وی بسته‌های حشیش را به مشتری‌ها می‌داد و از آن‌ها می‌خواست تا با غذای همسرشان مخلوط کنند. مشتریان نیز به تصور این که داروی مهر و محبت به خورد همسرشان می‌دهند، دستورهای وی را اجرا می‌کردند. در بازجویی از این مرد رمال، مشخص شد وی بی‌سواد بوده و غیر قانونی وارد ایران شده است.^{۱۶}

آذر ۱۳۸۵

در دستگیری یک مدعی دروغین در استان فارس، مقدار زیادی تریاک به همراه وی کشف گردید. همدست این رمال نیز با مقادیر فراوانی تریاک دستگیر شد.^{۱۷}

۷. سرقت

اهمیت جرائمی مانند دزدی، قتل و آدم‌ربایی نه فقط به دلیل خسارت‌های فردی بلکه به دلیل ایجاد احساس ناامنی در جامعه است. متأسفانه در سال‌های اخیر، روند سرقت مدعیان دغانویسی و رمالی گسترش یافته است؛ در واقع اینان با ادعاهای دروغین خود به هدف اصلی یعنی سرقت دست می‌یابند. این‌ها سارقانی هستند که جامعه‌ی رمالی به تن کرده‌اند؛

بهمن ۱۳۸۴

فرمانده نیروی انتظامی تبریز، از مراجعه دغانویسان و فالگیرها به در منازل مردم خبر داد؛ این عده پس از شناسایی منزل، به سرقت دست می‌زدند.^{۱۸}

خرداد ۱۳۸۵

با دستگیری دو زن رمال، باند رمالان سارق و کلاهبردار در اردبیل، شناسایی و متلاشی شد. اعضای این باند که شامل هفت مرد و هشت زن بودند، به صورت گروه‌های ۲ - ۳ نفره با عنوان رمال و فالگیر، وجوه نقد و طلاجات مردم را در سطح استان به سرقت می‌بردند.^{۱۹}

۸. قتل

کشتار و قتل نیز از جمله مسائلی است که گذشته از آسیب‌رسانی فردی، جامعه را دچار آسیب می‌کند. متأسفانه افرادی سنگدل و بی‌وجدان، با برچسب دغانویس، جادوگر و سر کتاب بازکن در جامعه دیده شده‌اند که انسان‌های زیادی با پای خود به دام آن‌ها می‌روند؛

فروردین ۱۳۸۶

حبیب، ملقب به رمال مرگ، که از سال ۸۲ تحت تعقیب بود، پس از چهار سال به دار مجازات آویخته شد.

این رمال شیاد سه دختر و زن جوان را به همراه یک پزشک مرد به خانه‌ای در جاده قزوین - رشت برد تا به مراد خود برساند. اما به دلیل سرپیچی این چهار نفر از دستوراتش، در جنایتی هولناک، آنان را به قتل رساند.^{۲۰}

ابتدا پیشنهاد قتل همسرم را داد تا به این وسیله از زندگی با او رها شوم و مجبور نباشم اختلاف‌هایمان را تحمل کنم. اما من با وجود این که دوست داشتم انتقامم را از همسرم بگیرم، به کشتنش راضی نشدم. زن که ادعای دغانویسی داشت، گفت که می‌تواند با نوشتن دعایی مخصوص، بدون دخالت من، موجب مرگ همسرم شود.

شهریور ۱۳۸۶

رمال و فالگیر متجاوز، ملقب به جادوگر سیاه که به دار مجازات آویخته شد، علاوه بر شیادی و روابط غیراخلاقی، دو قتل عمد در پرونده خود به جای گذاشته است.^{۲۱}

۹. آدم‌ربایی

برخلاف پندار کسانی که آدم‌ربایی‌ها را فقط با سلاح دفاعی و در مکان‌های عمومی، می‌دانند که آدم‌ربایان پس از ربودن فرد، درخواست پول می‌کنند، امروزه دغانویسان آدم‌ربایی هستند که با درایت کامل، ابتدا پول‌های کلان را دریافت و سپس آدم‌ربایی می‌کنند!

دی ۱۳۸۴

چهل شاکی، خواستار دستگیری مردی شیاد شدند که با ادعای زنده کردن مرده و درمان بیماری‌های لاعلاج، بیماران آن‌ها را ربوده است. این فرد با نام مجید - ک پس از یک هفته از آغاز فعالیت‌های خود، به مراجعه کنندگان اعلام نمود که برای شفای بیماران، مجبور است آن‌ها را به شهری دور منتقل کند و به مدت یک ماه نزد خود نگه دارد. با طولانی شدن این سفر، خانواده‌ها از غیبت طولانی بیمارانشان نگران و متوجه آدم‌ربا بودن رمال شیاد شدند.^{۲۲}

خواب‌های شیطانی

خواب‌ها، اگرچه برخی صادقند و از آینده‌ای حتمی خبر می‌دهند اما نمی‌توان ادعا نمود که خواب هر مدعی، صادق و ادعای وی قابل تصدیق است؛ زیرا امکان



**در دستگیری مرد در مال
میانسانی، مشخص
شد که وی طی ۷۵ روز
دعانویسی، بیش از
شش میلیون تومان
درآمد داشته است.**

**یکی از دو خواهر، که فارغ التحصیل
رشته الهیات است، الهامات
غیبی در خواب‌هایش را دلیل
این امر دانسته، می‌گوید: چند بار
در خواب به من الهام شد تا برای
حل مشکلات مردم، برایشان دعا
بنویسم.**

دارد شیطان با وسوسه‌های خود در خواب بخواهد روح فرد را گمراه کند و یا حتی این که فرد اصلاً خوابی ندیده باشد. بسیاری از دعانویسان ادعا می‌کنند آن‌چه را می‌گویند و می‌نویسند، در خواب به ایشان الهام شده و کرامت الهی است؛ اما چه بسا این خواب‌ها به سان خواب شتر باشد که در آن پنبه‌دانه می‌خورد؛ زیرا شتر به پنبه‌دانه علاقه دارد اما چون نمی‌تواند بخورد، باید در خواب ببیند.

آبان ۱۳۸۳

دو خواهر مدعی دعانویسی در تهران که پنج سال به رمالی و دعانویسی اشتغال داشتند، پس از دستگیری به بیان علت گرایش خود به این امور پرداختند. یکی از دو خواهر، که فارغ التحصیل رشته الهیات است، الهامات غیبی در خواب‌هایش را دلیل این امر دانسته، می‌گوید: چند بار در خواب به من الهام شد تا برای حل مشکلات مردم، برایشان دعا بنویسم. البته توجهی نکردم. اما چون در محله‌مان جلسات مذهبی داشتیم و خانم‌های همسایه، ما را معتمد می‌دانستند و برای حل مشکلاتشان با ما مشورت می‌کردند، وسوسه شدم که با دعانویسی مشکلاتشان را حل کنم.^{۳۳}

خرداد ۱۳۸۵

مادر و دختری که با دعانویسی و طلسم و جادو، اموال بسیاری را از مردم اخاذی کرده بودند، دستگیر شدند. دختر ۲۶ ساله در بازجویی‌ها مدعی شد: من چند سال قبل، خواب دیدم که باید برای حل مشکلات مردم دعا بنویسم. به همین سبب به کمک مادرم، تصمیم گرفتم تا با دعانویسی، مشکلات مردم را حل کنم.^{۳۴}

آذر ۱۳۸۳

زن رمال ۴۲ ساله با مدرک لیسانس مدیریت که با گرفتن مبالغ فراوان از پنج هزار زن و دختر، از آن‌ها کلاهبرداری کرده بود، پس از دستگیری ادعا کرد که: من سه سال قبل دچار بیماری درمان‌ناپذیری شدم و به یکی از شهرهای مذهبی رفتم. در آن‌جا مردی نورانی در خواب نزد من آمد و گفت که شفا گرفته‌ام. پس از بیداری، متوجه شدم که هیچ اثری از بیماری در بدنم وجود ندارد و علاوه بر آن می‌توانم هاله‌های اطراف هر انسانی را ببینم. پس از آن کتاب‌های فراوانی درباره هاله مطالعه کردم. در برخورد با مشتریان می‌کوشیدم از قدرتی که در خواب به من داده شده است، استفاده کنم و هفت مرکز انرژی موجود در بدن انسان‌ها را فعال و به آن‌ها امید بدهم.^{۳۵}

۱۱. وسوسه اعتماد مردم

گاهی مردم به لباس‌هایی مانند لباس مقدس روحانیت اعتقاد و اعتماد دارند؛ گاه به مکان‌های مقدسی همچون قم و مشهد و گاه به سادات به واسطه اجدادشان و گاهی نیز به معتمدین محل. افراد شیاد و کلاه‌بردار با سوء استفاده از این اعتمادها می‌توانند به اهداف خود برسند؛

خرداد ۱۳۸۳

مردی میان سال که با راه‌اندازی مکانی تحت عنوان «مشاوره معراج» به درج آگهی مبنی بر ارائه خدمات ستاره‌شناسی ازدواج می‌پرداخت، برای جذب مشتریان از نام پدر خود استفاده می‌کرد. وی با استفاده از نام پدرش، که فردی معتمد میان مردم بوده، متقاضیان را اغفال و پس از بیهوشی آن‌ها، نقشه‌های شوم خویش را اجرا می‌کرد.^{۳۶}

آبان ۱۳۸۳

دو خواهر مدعی دعانویسی، با جعل عنوان نمایندگی مراجع تقلید، دختران و زنان جوان را سر کیسه می‌کردند. یکی از این دو خواهر، در اعتراف‌های خود گفت: پدر بزرگم فردی معتمد و شناخته شده در محل بود و مردم برای حل مشکلات خویش به او مراجعه می‌کردند و دعاهایی مؤثر می‌گرفتند که در حل مشکلاتشان کارساز بود. از این رو ما هم که نوه‌های وی بودیم، مورد اعتماد اهالی محل قرار داشتیم تا حدی که برای حل مشکلاتشان با ما مشورت می‌کردند. در ابتدا دعاهایی را که در حاشیه کتاب‌های دینی و ادعیه معمولی نوشته شده بود، برای رفع مشکلات به ایشان پیشنهاد می‌کردیم. وقتی دیدیم که مشکلاتشان حل می‌شود، وسوسه شدیم که به دعانویسی روی آوریم.^{۳۷}

انگیزه مراجع کنندگان به مدعیان دروغین

با گسترش مشکلات و ناهمواری‌های زندگی، انسان‌ها به آسانی از کوره در می‌روند و غافل از این‌که در دنیای مدرن کنونی تخصص‌هایی مانند روانشناسی، روانکاوی و مشاوره، قادر به بازسازی روابط خانوادگی هستند، به رمال‌ها و دعانویس‌ها متوسل می‌شوند. و نیز با غفلت از بزرگان دینی که



با سال‌ها ریاضت و ترک گناهان، راه قرب الهی را می‌پیمایند و با گفتار و کردار خود راهنمای زندگی مردم هستند، چشم بسته به دستورهای فالگیر و جادوگرهای دروغین عمل می‌کنند. به قولی:

جواهر فروشان به کنجی خموش
چه گرم است بازار شلغم‌فروش

مشکلاتی که موجب مراجعه انسان‌ها به دعانویسان می‌شوند، از نیازها سرچشمه می‌گیرند که بی‌شمارند. از معیشت روزانه آغاز می‌شوند و در هر مرحله‌ای از زندگی جلوه‌های تازه دارند.

دختران، همواره در اندیشه زیباتر شدن هستند و کمی بعد، قبولی در دانشگاه و یافتن همسر مناسب. اما با ازدواج، نیازهایشان رنگ و لعاب دیگری می‌یابد؛ روزی به دنبال بستن زبان فامیل شوهرند و روزی دیگر در پی جلب علاقه همسر. کابوس ورود هوو در زندگی مشترک، شبانه‌روز آزارشان می‌دهد و به کوچک‌ترین رفتار همسر، مشکوک می‌شوند.

نیاز به فرزنددار شدن در ادامه زندگی زن‌ها قرار دارد و البته در کنار آن، تعیین اختیاری جنسیت فرزندان هم تمام هم و غم‌شان پول است و پول و پول. هر چه بیش‌تر به آن می‌رسند، تشنه‌تر می‌شوند و گاهی که هیچ نیازی در این زمینه احساس نمی‌کنند و در ضمن از ارتباط با زنده‌ها هم خیری نمی‌بینند، به فکر احضار روح و ارتباط با اجنه و حتی تسلط بر ارواح زنده‌ها می‌افتند. این مسائل آن‌قدر در ذهن صاحبان‌شان بزرگ جلوه می‌کند که با داشتن عالی‌ترین تحصیلات دانشگاهی و حوزوی به خرافات گرایش می‌یابند؛ امروزه دایره تأثیر دعانویسی از مرز عوام گذشته است و ردپای آن در محافل علمی و فرهنگی نیز دیده می‌شود. «دعانویسی هر روز روبروی دانشگاهی بسیار معتبر بساط خود را پهن می‌کند و با چسباندن اطلاعیه «طالع‌بینی ۵۰۰ تومان و دعانویسی با قیمت ویژه» به جذب مشتری می‌پردازد و تأسف‌بارتر این‌که برخی دانشجویان همان دانشگاه نیز از مشتریان پروپا قرص اویند»^{۲۸}

در ادامه، نمونه‌هایی درباره هر یک از انگیزه‌های ذکر شده بیان می‌شود.

۱. بخت‌گشایی و ازدواج

قدیمی‌ها و نیاکان ما باورهایی بسیار زیبا در این زمینه داشتند و با اعتقاد کامل می‌دانستند که هر کسی جفت خود را می‌یابد؛ دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. امروزه افراد به محض تصور این‌که خواستگاری برایشان نمی‌آید، به فالگیر و دعانویس و جادوگر متوسل می‌شوند و با شنیدن چند جمله ساده اولیه که «دو تا چشم سیاه می‌بینم، بختت در راه است و...» و نیز با دیدن یک قفل زنگ‌زده که با آن وی را طلسم کرده‌اند فریب خورده و بخت خود را به جای گشودن، سیاه ابدی می‌کنند.

آذر ۱۳۸۵

دختر که مدتی بود خواستگاری نداشت، مسأله را با یکی از دوستانش طرح کرد و آدرس مردی رمال در شرق تهران را به دست آورد. با اولین تماس تلفنی، وقت حضوری گرفت و در ساعت مقرر، به خانه رمال وارد شد. رمال او را به زیرزمینی که با پرده‌ای از پارکینگ جدا شده بود، برد و پس از گفتن جملات گنگ و نامفهوم، از او خواست تا به شعله یک شمع خیره شود و جملات را تکرار کند. دختر هنگامی که خود آمد که پس از هیپنوتیزم، از سوی مرد رمال مورد تجاوز قرار گرفته بود... غلام - ک معروف به غلام رمال، با این ترفند و به بهانه بخت‌گشایی، شش دختر را سیاه‌بخت نمود. این شیاد ۳۰ ساله پس از گرفتن اطلاعات از مشتریان، چند قفل زنگ‌زده را داخل

مشتریان این رمال، ۲۰ تا ۱۰۰ هزار تومان به صورت ودیعه به وی می‌دادند تا حاجاتشان برآورده شود. پس از رفع حاجات ۷۰۰ هزار تومان به وی می‌پرداختند!

در بین پنج هزار زن و دختر جوان که با دادن مبلغ هنگفت، زن رمال ۴۲ ساله را پولدار کردند، دخترهای دانشجویی وجود داشتند که برای قبول شدن در هر یک از ترم‌های تحصیلی، صد هزار تومان به او می‌دادند و به این ترتیب آینده تحصیلی خود را تضمین می‌کردند!

ظرف آب می‌انداخت و ادعا می‌کرد که بخت آن‌ها با این قفل‌ها بسته شده است و پس از هیپنوتیزم برای باطل کردن طلسم، اهداف شوم خود را جامه عمل می‌پوشاند. این شیاد ۳۰ ساله در مصاحبه‌ای پس از دستگیری گفت: بسیاری از اوقات پس از رفتن آدم‌های زودباوری که برای شنیدن دروغ به خواسته‌های من تن می‌دادند و پول پرداخت می‌کردند که البته اغلب آن‌ها زن‌ها و دختران جوان بودند، ساعت‌ها به ساده‌لوحی‌شان می‌خندیدم.^{۲۹}

آذر ۱۳۸۵

زن رمال عراقی به نام لیما، که در سنندج به بهانه بخت‌گشایی، پول‌های کلانی از مردم دریافت و اشیایی بی‌ارزش و دستورهایی عجیب به آن‌ها ارائه می‌کرد، دستگیر شد.^{۳۰}

خرداد ۱۳۸۵

چند دختر جوان با در دست داشتن انگشترهایی به اداره پلیس مراجعه کردند و خواستار دستگیری مادر و دختری شدند که با فروختن این انگشترهای به اصطلاح بخت‌گشا، ۲۰۰ هزار تومان از



آن‌ها دریافت کرده بودند.^{۳۱}

۲. درمان نازایی

نازایی، از جمله بیماری‌های دارای عوامل طبیعی است و لزومی ندارد که کسی برای درمان آن به ماورائیان دروغگو متوسل شود. به ویژه که امروزه با پیشرفت علم، شیوه‌هایی نو برای درمان ناباروری ابداع شده و مراکز پژوهشی و درمانی متعددی در این زمینه فعالیت دارند؛ از جمله پژوهشکده رویان که با هدف درمان، پژوهش و آموزش ناباروری در سال ۱۳۷۰ تشکیل شده و پیشرفت‌های چشمگیری در این زمینه داشته است؛ با وجود این، عده‌ای اصرار دارند که با دعا و رمالی، به درمان ناباروری خود بپردازند، که هرگز نیز موفق نمی‌شوند؛

شهریور ۱۳۸۶

زنی که برای درمان نازایی به دعانویس مراجعه کرده بود، بعد از به هوش آمدن متوجه شد که پس از هیپنوتیزم مورد آزار و اذیت مرد رمال قرار گرفته است. زن هنگامی که به نشانه اعتراض صدای خود را بلند کرد، با تهدید رمال روبه‌رو شد که با طلسم، زندگی او را نابود خواهد کرد.^{۳۲}

این تنها موردی نبود که مرد رمال با ادعای درمان نازایی، فرد را مورد تعرض قرار داده بود. محمدحسین زاده ابوصبی، به بهانه دعانویسی و رمالی به اغفال نوامیس پرداخته و با انجام ۷۰ زناهی محصنه و غیرمحصنه، مفسد فی الارض شناخته و به دار مجازات آویخته شد.^{۳۳}

تیر ۱۳۸۵

زن جوانی که برای درمان نازایی، پول هنگفتی به زن رمال با نام سودابه داده بود، یکی از شاکیان وی پس از دستگیری‌اش بود. وی گفت: زن رمال ادعا کرد که مرا طلسم کرده‌اند و در ازای دریافت پول، طلسم را باطل می‌کند. اما با گذشت چند ماه و دریافت مبالغ کلان، هیچ تغییری رخ نداده است.^{۳۴}

۳. درمان بیماری

به‌رغم این‌که بیماری و درمان آن در دست خداست - یا من اسمہ دواء و ذکره شفاء - عده‌ای به راحتی در مواجهه با بیماری‌های جسمی و روحی، خدا

جالب این‌که رقص و حرکات موزون، اولویت ویژه‌ای در این کلاس‌ها دارد و به مسائلی نظیر بوسه‌زدن پرداخته می‌شود و در عین حال، برپا کننده مؤسسه ادعا می‌کند که کلاس‌هایش، موجب تقویت معنویت می‌شود!

و توسل به پیامبرانش را فراموش می‌کنند و به دامان پزشک‌هایی پناه می‌برند که نه مجوز درمان دارند و نه دارویی مناسب برای تجویز.

دی ۱۳۸۴

چهل شاکی که مبالغی میلیونی به شیاد مدعی زنده کردن مرده و درمان بیماری‌های لاعلاج داده بودند، به جای شفای بیماران، با دزدیدن آن‌ها روبه‌رو شدند! با پیگیری‌های پلیس روشن شد مجید. ک دارای سابقه کیفری در سمنان و یکی از شهرهای شمالی بوده که با اغفال همراهان افراد بیمار، صدها میلیون تومان از مردم کلاهبرداری کرده و گریخته است.^{۳۵}

شهریور ۱۳۸۵

زن کم‌سواد، با مدرک تحصیلی سیکل که با ادعای قدرت انرژی درمانی و جن‌گیری وانمود می‌کرد قادر به درمان همه بیماری‌هاست، به اتهام کلاهبرداری در کرج دستگیر شد. این زن رمال ۳۷ ساله، در هر نوبت مراجعه بیماران ۱۰ تا ۳۰ هزار تومان از ایشان دریافت می‌کرد. روزهای یکشنبه و سه‌شنبه، خانه این زن مملو از جمعیت بود، تا حدی که به برخی نوبت ویزیت نمی‌رسید و روزهای متمادی در انتظار گرفتن نوبت برای دیدن زن رمال می‌ماندند.

یکی از شاکیان این مدعی، زنی بیمار است که از درمان کم‌مرد خود ناامید شده و به وی مراجعه کرده و در هر نوبت مبالغ مختلفی برای ماساژ درمانی و داروهای تجویزی پرداخته می‌نموده اما نه تنها مراجعاتش بی‌ثمر بوده بلکه درد کمرش شدیدتر از قبل شده است. در دفتر این زن که مدعی است از دو سالگی قدرت انرژی درمانی دارد، اسامی بیش از پنجاه بیمار دیده می‌شود.^{۳۶}

۴. افزایش مهر و محبت همسر

مهر و محبت، از قلب‌های انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و ایجادکننده اصلی آن، کسی نیست جز ذات اقدس الهی. خنده انسان‌ها خنده می‌آورد و اخم و فریادشان، اخم و فریاد. عده‌ای بی‌توجه به این مسائل، بدون هیچ‌گونه مهر و محبتی با همسر و اطرافیانشان رفتار می‌کنند و از ایشان درخواست محبت دارند و اگر چنین نبینند، سراغ جادوگر و دعانویسی می‌روند تا جادو و دعای مهر و محبت برای قلب‌هایشان تجویز کند! غافل از این‌که محبت در ذات است نه قابل اکتساب.

خرداد ۱۳۸۵

مدتی بود که رفتار شوهرم با من تغییر کرده بود؛ شب‌ها دیر به خانه می‌آمد و به من اهمیت نمی‌داد. نگران بودم و می‌ترسیدم که به من خیانت کند. تا این‌که یکی از دوستانم آدرس یک فالگیر و دعانویس را به من داد و گفت که او می‌تواند با نوشتن یک دعا، علاقه شوهرم را به من بیش‌تر کند. به خانه مادر و دختر دعانویس در غرب تهران رفتم. زن، معجونی درست کرد و وردهایی به آن خواند و گفت: باید این معجون خوشبختی را به خورد همسرت بدهی تا باعث زیاد شدن علاقه‌اش به تو شود. بابت این معجون ۱۰۰ هزار تومان از من گرفت. معجون را در غذای همسرم ریختم تا محبتش بیش‌تر شود؛ اما مسموم شد و نیمه شب اسیر بیمارستان‌ها شدم.

این بخشی از شکایت‌های زن جوان از مادر و دختر دعانویس بود که در اداره پلیس مطرح کرده و خواستار دستگیری آن‌ها بود.^{۳۷}

بهمن ۱۳۸۴

زن وقتی دعای مهر و محبت را از فالگیر گرفت، می‌پنداشت اختلاف‌ها با شوهرش به زودی تمام می‌شود؛ غافل از این‌که، آغاز اختلاف‌ها بود. مدتی بود که احساس می‌کرد همسرش علاقه چندانی به او نشان نمی‌دهد. ماجرا را با یکی از



دوستانش در میان گذشت و او ادعا کرد که می‌تواند در ازای گرفتن مبلغی، دعای مهر و محبت برایش تهیه کند. یک هفته بعد از گرفتن دعای مهر و محبت، نه تنها روابط زن با همسرش بهتر نشد، بلکه به طلاق انجامید.^{۳۸}

مهر ۱۳۸۴

مرد ۳۰ ساله به نام محمود در دادگاه، ضمن درخواست طلاق همسرش گفت: یکسال پس از ازدواج، صاحب فرزندی شدیم. این باعث شد که با کار ۲-۳ شیفته، خرج زندگی را تأمین کنم. مدتی بود که نوشیدنی‌های عجیبی را به عنوان جوشاننده به خوردم می‌داد و یا چیزهایی زیر لب، زمزمه می‌کرد و پنهانی به سمت من فوت می‌کرد. تا این که نیمه‌های یک شب احساس کردم چیزی روی سرم راه می‌رود. وقتی بلند شدم، دیدم همسرم قسمتی از موهای مرا چیده است!

همسر ۲۶ ساله این مرد به نام هانیه در دفاع از خود چنین اظهار کرد:

مدتی بود گمان می‌کردم همسرم به من بی‌علاقه شده است؛ ماجرا را با خواهرم در میان گذاشتم و او فالگیری را به من معرفی کرد. فالگیر از روی چند کتاب قدیمی، نسخه‌هایی برایم نوشت و خواست تا به آن‌ها عمل کنم. یکی از آن موارد این بود که بخشی از موی همسرم را بریده، در خاک گلدان خانه‌مان بگذارم. با وجود اظهارات هانیه، محمود از دادگاه، تقاضای حکم طلاق کرد.^{۳۹}

سر به نیست کردن هوو از زندگی

برخی از زنان، روز و شب در هراس از شریک دیگری برای مرد زندگیشان هستند و گاهی به تصور وجود آن، به دنبال حذف آن می‌روند. آن چه مسلم است این که حتی در صورت وجود هوو در زندگی، چگونه می‌توان با یک دعا او را از زندگی مرد کنار گذاشت؟! ^{۴۰}

مرداد ۱۳۸۵

مرد وقتی فهمید که همسرش پنج میلیون تومان را به جای خرید جواهرات، برای گرفتن طلسم از زن رمال هزینه کرده است، از دادگاه تقاضای صدور حکم طلاق کرد. زن در دادگاه به دفاع از خود گفت: مدتی بود که شوهرم به من بی‌اعتنا بود و علاقه‌ای نشان نمی‌داد. به همین دلیل احساس کردم پای زن دیگری در میان است. به کمک یکی از دوستانم با زنی رمال آشنا شدم که ادعا می‌کرد قدرت حذف زن دوم را از زندگی‌ام دارد. به خانه وی رفتم؛ دختری جوان مرا به اتاقی برد که پر از تکه آهن‌هایی شبیه نعل اسب و شکل‌های هندسی و عکس‌های آویزان بود. چند دقیقه بعد، زن رمال وارد شد و پس از دیدن کف دستم، چند جمله نامفهوم گفت و خواست تا مشکلم را بگویم. مبلغ ۵۰۰ هزار تومان از من خواست تا طلسم را بدهم. در هر بار مراجعه برای طلسم جدید، همین مقدار می‌گرفت و از من می‌خواست که برای تهیه پول به شوهرم بگویم که قصد خرید طلا و جواهر دارم. بعد از یک ماه، شوهرم متوجه طلسمی شد که در جیب کتش قرار داده بودم و پس از پی بردن به این که پنج میلیون تومان به زن رمال داده‌ام، تصمیم به طلاق دادن من گرفت.^{۴۱}

حل اختلاف‌های خانوادگی

هزاران مرکز مشاوره در اقصا نقاط کشور، با بهره‌مندی از تجربه‌ها و تخصص‌های ویژه به حل اختلاف‌های خانوادگی و... اشتغال دارند؛ اما متأسفانه، عده‌ای ضمن مخالفت با این مسائل، گره زندگی خود را به دست افرادی می‌دهند که شاید برای اولین بار وی را دیده‌اند و حتی هیچ تخصص و تجربه چشم‌گیری در خود نمی‌دیدند. چه زیبا عمل می‌کردند گذشتگان ما که هنگام اختلاف، به دستور قرآن کریم، حکمی از هر دو طرف برمی‌گزیدند تا به حل اختلاف ایشان پردازند، نه مانند امروز که سفره اختلاف‌های زناشویی را نزد هر غریبه‌ای می‌کشایند.

مرداد ۱۳۸۶

۱۵ روز پیش، وقتی برای خرید از خانه بیرون آمده بودم، با یک فروشنده دوره‌گرد

روبه‌رو شدم که خود را فالگیر معرفی کرد و گفت حاضر است بدون دریافت هیچ‌گونه مبلغی، مشکلات خانوادگی‌ام را حل کند. من که سال‌ها بود با همسرم اختلاف داشتم، تحت تأثیر حرف‌های وی قرار گرفتم و او را به خانه بردم تا سحر و جادو را باطل کند و اختلافمان حل شود. ماجرای ۲۰ سال اختلافمان را شرح دادم و او خواست تا برای تهیه جادوی مشکل‌گشا، نبات، تخم‌مرغ، قند، اسپند و دو لیوان بزرگ آب فراهم کنم. پس از مخلوط کردن این مواد از من خواست تا تمام طلاهایم را داخل دو لیوان آب بیندازم و به حمام بروم و پس از پاک شدن، آب را به بدنم بریزم تا جادو کارساز باشد. این کار را کردم؛ اما وقتی از حمام بیرون آمدم، متوجه شدم که مرد رمال پس از سرقت طلاها فرار کرده است.

این‌ها شکایت‌های زنی ساده‌دل از فالگیر دوره‌گرد بود که در دادسرا بیان می‌کرد.^{۴۱}

۷. یافتن گنج و افزایش مال

برخی افراد شیاد برای رسیدن به اهداف خود، عده‌ای ساده‌لوح و افسانه‌ای را طعمه قرار می‌دهند که در اندیشه یافتن گنج قارون و پولدار شدن یک‌شبه‌اند؛

آبان ۱۳۸۶

پلیس هم‌دان موفق به دستگیری دکانویس کلاهبردار به نام مجتبی - ه شد که با ادعای پیدا کردن گنج، مبالغی هنگفت از مردم کلاهبرداری کرده بود.^{۴۲}

۸. پیدا کردن مهرمار

هنگام جفت‌گیری مار نر و ماده، هر کدام مهره‌ای می‌اندازد که به آن مهره مار

مجلس شورای اسلامی
شماره ۱۱۰
تیر ۱۳۸۵
صفحه ۸۴



می‌گویند. برخی معتقدند که هر کس این مهره را زیر پوست دست راست یا چپ خود قرار دهد، ابتدا دست عفونت می‌کند. و بعد از چند روز مثل گذشته می‌شود، با این تفاوت که همه به او احترام می‌گذارند؛ دوستش دارند، شانسش بیش‌تر می‌شود و.... چه پول‌های هنگفتی که به این بهانه در جیب رمال‌ها و دعانویس‌های دروغین می‌رود.

خرداد ۱۳۸۵

چند دختر جوان با مراجعه به پلیس، خواستار دستگیری زنی رمال شدند که شیء بی‌ارزشی را به عنوان مهره مار به ایشان فروخته و ۲۰۰ هزار تومان بابت آن دریافت کرده است.^{۴۳}

آبان ۱۳۸۳

دو خواهر مدعی دعانویسی در تهران که از اعتماد مردم سوء استفاده می‌کردند، به بهانه تهیه آلاتی همچون مهره مار و قرار دادن آن داخل انگشت و گردن‌بند، ۲۰۰ هزار تومان از مراجعه‌کنندگان می‌گرفتند.^{۴۴}

قفل کردن زبان خانواده شوهر

در فرهنگ ما، متأسفانه مادرشوهر، خواهرشوهر و به‌طور کلی فامیل شوهر، انسان‌هایی ترسناک معرفی می‌شوند که نزدیک شدن به آن‌ها مستوجب تحمل دشواری‌هایی فراوان است. در این زمینه، زن‌ها بیش از مردان به مسأله دامن می‌زنند و آن را بزرگ و ترسناک جلوه می‌دهند؛ حال آن‌که تمام زنان، خود، روزی مادرشوهر و خواهرشوهر و فامیل شوهر خواهند شد!
شهریور ۱۳۸۶

مرد ۲۵ ساله افغانی پس از دستگیری در خانه‌اش در شهر قائم قم اعتراف کرد که اکثر زن‌ها برای قفل کردن زبان خانواده شوهر و مواردی مانند آن به وی مراجعه می‌کردند.^{۴۵}

۱۰. احضار روح

این مسأله از دیرباز رواج داشته است و عده‌ای برای تفریح و سرگرمی و یا اطلاع از دنیای پس از مرگ، به احضار ارواح می‌پرداختند؛ در حالی که این کار ممکن است موجب آزار روح و یا آسیب‌های دیگر شود که به همین علت، برخی از فقها آن را حرام دانسته‌اند.

تیر ۱۳۸۵

رمالی در اراک، به نام علیرضا که با مدرک فوق‌دیپلم ساختمان، به اخذی از مردم می‌پرداخت، گرفتار قانون شد. وی با ادعای احضار روح و جن، مبالغ هنگفتی کلاهبرداری کرده است.^{۴۶}

۱۱. آگاهی یافتن از آینده

علاقه به اطلاع از آینده، موجب می‌شود عده‌ای به سراغ پیشگوها روند و از این مدعیان، اوضاع آینده را جویا شوند. با این مراجعه، مقدار هنگفتی پول پرداخت کنند و در قبال آن، آینده‌ای دروغین را بشنوند که ذره‌ای واقعیت ندارد؛

تیر ۱۳۸۵

یک ماه پیش، یکی از دوستانم کارت تبلیغاتی زنی پیشگو را نشانم داد و من به سبب علاقه‌ام به اطلاع از آینده، به او مراجعه کردم. پس از چند مرحله مراجعه به زن پیشگو، گفت می‌خواهد چیزهایی به من بگوید که باید تحمل شنیدنشان را داشته باشم؛ من هم قبول کردم. در و دیوار خانه‌اش پر از عکس‌های منسوب به ائمه بود و من به همین سبب حرف‌هایش را باور می‌کردم.

گفت: پدرم یک هفته بعد با کامیون تصادف می‌کند؛ مادرم هم سرطان دارد و تنها ۲۰ روز دیگر زنده است. گفت: پدر و مادرم طلسم شده‌اند. ۵۰۰ هزار تومان می‌خواست تا طلسم را باطل کند. چون پولی همراه نداشتم، گوشواره و گردن‌بند و دستبندم را دادم. ۲۰ روز از ماجرا گذشت و اتفاقی نیفتاد. پس از مدتی متوجه شدم که زن فالگیر، به همین روش از عده‌ای دیگر هم اخذی کرده است.

این بخشی از شکایت دختر ۲۲ ساله از رمال کلاهبردار با نام سودابه بود.^{۴۷}

۱۲. تسلط بر ارواح زنده‌ها

این نوعی قدرت‌طلبی است که مدعیان دروغین با استفاده از آن به گردآوردن عده فراوانی مرید در اطراف خود می‌پردازند؛ اما در مورد افراد معمولی به صورت تسلط بر ارواح اطرافیان، آن‌ها را وسوسه می‌کند؛

آذر ۱۳۸۵

رمال شیاد معروف به غلام رمال که به اتهام کلاهبرداری میلیونی دستگیر شده است، در اعتراف‌هایش اذعان کرد که از همه اقسار - دکتر، مهندس، خانه‌دار و... - به او مراجعه می‌کردند. حتی صاحب کارخانه‌ای به وی مراجعه کرده است و از او خواسته کاری کند تا کسانی که با او دادوستد دارند، مطیعش باشند و بتواند بر روحشان تسلط داشته باشد.^{۴۸}

۱۳. ارتباط با پیشوایان معصوم

تقید و عمل به دستوره‌های الهی حتی در حد تکالیف شرعی، می‌تواند موجب رضایت الهی و اولیای او شود که ناظر بر اعمال انسان‌ها هستند. همین امر می‌تواند به ارتباط با ایشان بینجامد و در این زمینه هیچ نیازی به اساتید دروغین و شیاد نیست.

مهر ۱۳۸۶

ح. ر. مدعی ارتباط با امام‌زمان (عج) که خود را یکی از یاران ایشان معرفی می‌کرد و به بهانه ایجاد ارتباط میان مردم و ائمه به اغفال آن‌ها می‌پرداخت، در اطراف ورامین دستگیر شد.

وی ضمن برگزاری جلساتی با حضور اکثریت دختران جوان به بهانه برقراری ارتباط ایشان با ائمه، از بین ایشان مریدانی انتخاب می‌کرد و درصدد جلب اعتماد خانواده‌هایشان بود. او اصرار داشت که جلسات مخفیانه برگزار شود و فقط کسانی در آن شرکت کنند که به مسائل عرفانی اعتقاد قلبی دارند.^{۴۹}

۱۴. انتقام

کینه‌جویی از ویژگی‌هایی است که انسان را به سمت انتقام می‌کشاند. آتش انتقام که روشن شود، هیچ چیز جلودار آن نیست و هر خانمانی را می‌سوزاند. بنابراین باید با دوری از کینه‌جویی و پرورش خصلت نیکوی عفو، روحیه انتقام‌جویی را به نابودی کشاند.

دی ۱۳۸۴



در آرایشگاه زنانه مشغول کار بودم. زنی که یکی از مشتریان ثابت من بود، طی رفت و آمدهای بسیار به آرایشگاه از اختلاف‌های خانوادگی من و همسرم آگاه شد و ادعا کرد که می‌تواند به من کمک کند. ابتدا پیشنهاد قتل همسرم را داد تا به این وسیله از زندگی با او رها شوم و مجبور نباشم اختلاف‌هایمان را تحمل کنم. اما من با وجود این که دوست داشتم انتقامم را از همسرم بگیرم، به کشتنش راضی نشدم. زن که ادعای دغانویسی داشت، گفت که می‌تواند با نوشتن دعایی مخصوص، بدون دخالت من، موجب مرگ همسرم شود. من هم راضی شدم و یک میلیون تومان وجه نقد، طلا و جواهر و دو تخته فرش نفیس را به او دادم تا موجب قتل همسرم شود که بی‌فایده بود. این زن دغانویس پس از چهل بار اخاذی از افراد مختلف دستگیر شد.^{۵۰}

مهر ۱۳۸۳

مردی با شکایت از زن رمال که موجب شده بود همسرش، نیمه شب درصدد قتل او برآید و متواری شود، خواستار دستگیری وی شد. رمال متهم ۴۵ ساله با فریب دادن زن‌های جوان، حس انتقام‌جویی را در ایشان برمی‌انگیخت و آنان را به قتل همسرانشان وامی‌داشت.^{۵۱}

۱۵. رفع حاجات

ادعیه معتبری مانند دعای پرفیض توسل و دست به دامان ائمه شدن، راه‌هایی تجربه شده برای رفع حاجت‌های نیازمندان هستند. با تأسف، عده‌ای در هنگام نیاز، این امور را فراموش می‌کنند و دست به دامان انسان‌هایی می‌شوند که خود از همه محتاج‌ترند.

اسفند ۱۳۸۳

زنان جوان و سالخورده، در ازای پرداخت مبلغی، عروسک سبزه‌پوش به نام «سیدکچولو» را برای رفع حاجات اجاره می‌کردند تا حاجاتشان را برآورده کند. زن مدعی ارتباط با ائمه که تا کلاس ششم ابتدایی درس خوانده بود، روزانه با مراجعین بسیاری روبه‌رو می‌شد و نه سال با این شیوه، به ظاهر حاجت‌های مردم را با عروسک خود برآورده می‌کرد. پس از دستگیری این جادوگر، دروغ بودن ادعاهای وی روشن شد.^{۵۲}

آذر ۱۳۸۳

زن ۴۲ ساله با مدرک لیسانس مدیریت که با اجاره دفتری در شمال تهران، حاجات مردم را برآورده می‌کرد، به دام قانون گرفتار شد. مشتریان این رمال، ۲۰ تا ۱۰۰ هزار تومان به صورت ودیعه به وی می‌دادند تا حاجاتشان برآورده شود. پس از رفع حاجات ۷۰۰ هزار تومان به وی می‌پرداختند!^{۵۳}

۱۶. موفقیت تحصیلی

موفقیت در تحصیل علم و دیگر مراحل زندگی، با پشتکار و تلاش فردی به دست می‌آید و با رشوه و مانند آن قابل دستیابی نیست؛ اما بسیاری افرادی که در این زمینه پول‌های کلان پرداخت می‌کنند و اگر موفقیتی داشته باشند، آن را مدیون پول می‌دانند!

آذر ۱۳۸۳

در بین پنج هزار زن و دختر جوان که با دادن مبالغ هنگفت، زن رمال ۴۲ ساله را پولدار کردند، دخترهای دانشجویی وجود داشتند که برای قبول شدن در هر یک از ترم‌های تحصیلی، صد هزار تومان به او می‌دادند و به این ترتیب آینده تحصیلی خود را تضمین می‌کردند!^{۵۳}

به هر تقدیر، ریشه پوسیده رمالی، بار دیگر در جامعه احیا و به کاسبی بی‌دردسر و شهوت‌رانی مدرن تبدیل شده است. امید که این گره بزرگ اجتماعی به زودی گشوده شود تا از پیامدهای شوم آن از جمله قتل، تجاوز، آدم‌ربایی، سرقت و... در امان باشیم.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ و ۸ و ۹ و ۱۲ و ۱۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۳۲ و ۳۹ و ۴۵ و ۵۴: روزنامه ایران.
- ۲ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۳۴ و ۴۶ و ۴۷: خبرگزاری فارس، www.Farsnews.net.
- ۳: خبرگزاری ایسکا، www.Iscanews.ir.
- ۴: پایگاه اطلاع‌رسانی امام مهدی، www.Emammahdi.com.
- ۵ و ۴۹: پایگاه خبری شیعه، www.shia-news.com.
- ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۹ و ۳۵ و ۳۸ و ۴۸ و ۵۰: خبرگزاری شریف‌نوز، www.sharifnews.ir.
- ۷ و ۳۳: خبرگزاری مهر، www.mehrnews.com.
- ۱۰ و ۲۷ و ۴۲ و ۴۴: پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس، www.police.ir.
- ۱۱ و ۱۲ و ۲۴ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۳ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳: پایگاه خبری آفتاب، www.Aftab.ir.